

## قورخانه: کارخانهٔ صنعت و هنر (نگاهی به کارکردهای هنری قورخانه در عصر قاجار)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۵

مهدی مکی نژاد\*

### چکیده

قورخانه از دورهٔ صفوی، بخش مهمی از تشکیلات و بیوتات حکومتی بوده و در دورهٔ قاجار نیز ادامه داشته است. در این تشکیلات حکومتی، امور مربوط به ساخت و ساز ابزارآلات و ادوات جنگی انجام می‌گرفته است اما از دورهٔ قاجار و به دستور ناصرالدین‌شاه، عملکرد قورخانه متفاوت‌تر از قبل می‌شود. به امر وی ساختمان قورخانه در ضلع شمالی ارگ سلطنتی، حد فاصل میدان توپخانه، خیابان مریضخانه (سپه) و جلیل‌آباد (خیام) بنا می‌شود. این ساختمان شامل کارگاه‌ها و کارخانه‌های متعددی بوده که با عنوان "قورخانهٔ مبارکه" و ذیل یک "وزارتخانه" اداره شده و مورد توجه و حمایت مستقیم پادشاه بوده است. امروزه از ساختمان قدیم، فقط سردر آجری و بخشی از دیوار باقی مانده و بقیه به ایستگاه مترو تبدیل شده است. در اهمیت قورخانه باید خاطر نشان کرد که این تشکیلات منحصر به وجه نظامی اش نبوده بلکه تأثیرش در عرصهٔ هنر نیز مشهود است. این پژوهش، عملکرد قورخانه را بررسی کرده و پاسخگوی این سؤال است که آیا قورخانه منحصرأ کارخانه تولید جنگ‌افزار بوده یا محصولات دیگری نیز داشته که بتوانند در زمره آثار هنری قرار گیرند؟

این مقاله برای اولین بار، با روش تحلیلی-تاریخی، به موضوع تولیدات آثار هنری در قورخانه می‌پردازد. بررسی مدارک و اسناد تاریخی، و نمونه‌های موجود، این یافته را تأیید می‌کند که متأثر از جریان‌های اثرگذار صنعت غرب، قورخانه مهم‌ترین کارگاه بزرگ و مجهز صنعت و هنر در آن دوران بوده که علاوه بر ساخت تجهیزات جنگی مانند توپ، تفنگ و...، تولیدات با ارزش زیبایی‌شناسانه و هنری از جمله انواع مجسمه‌ها، درهای بزرگ ریخته‌گری شدهٔ فلزی و آثار چوبی و بلورجات و موارد متنوع دیگر نیز داشته است.

کلیدواژه‌ها: قاجار، قورخانه، مجسمه‌سازی، ریخته‌گری، صنعت، هنر.

\* دانشیار فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، تهران، ایران.

## مقدمه

قورخانه که به نام جباخانه نیز شناخته می‌شود از دو کلمه "قور" و "خانه" تشکیل شده است. قور در زبان آذری به معنای گدازه‌های آتش یا باروت است و تلویحاً همان اسلحه‌خانه یا زرادخانه است که در آن آلات و ادوات حرب، مهمات و تجهیزات جنگی می‌ساخته‌اند. از نظر تاریخی، بخشی از سازمان اداری و تشکیلات نظامی یا همان اداره تسلیحات و مهمات بیوتات سلطنتی از دوره صفوی تا قاجارها بوده است. در بیان جباخانه و اهمیت آن، در باب سوم کتاب *تذکره الملوک* دوره صفوی آمده: «از صاحب‌منصبان عظیم‌الشأن جبادارباشی است که کل عملۀ جباخانه تا بین او، و موجب و تصدیق خدمت هر یک از عملۀ سر کار مذبور، بتجویز ریش سفید سر کار مذبور است و مشرف جباخانه نیز معتبر، و تمام وجوه تحویلی قورخانه مبارکه، از آلات و ادوات حرب مکمل بجواهر و غیره، و سرب و باروت، باطلاع و سر رشته مشرف سر کار مذبور بتحویل صاحب جمع مقرر، و کل اجناس قورخانه آنچه در جباخانه ایروان و سایر قلاع و ولایات که در آنها قورخانه شاهی است جبادارباشی تحویلدار تعیین، و حکام ولایات تمکین و توقیر او می‌نمایند و مشارالیه از جمله اعظام مقرران و معتبرین درگاه پادشاه است» (دبیرسیاقی، ۱۳۶۸: ۲۹).

در زمان فتحعلیشاه به واسطه جنگ‌های بین ایران و روس، نیاز به مهمات و اسلحه‌سازی بیش از پیش احساس می‌شد. فرزند وی پیشرو در راه‌اندازی واحد اسلحه‌سازی بود «عباس میرزا برای تهیه منبع مواد خام خود برای ساخت تفنگ، معادن مس و آهن قره‌چه داغ را توسط سروان مننیت بررسی کرد. نتایج این بررسی‌ها به اندازه‌ای امیدوارکننده بود که عباس میرزا به سفیر ایران در لندن دستور داد تا «یک ناظر آهن‌کاری، دو نفر کوره‌کار، یک کارگر شیشه، دو معدنچی، و یک پارچه‌ساز» را استخدام کند» (Floor, 1991: 329). در سفرنامه رضا قلی میرزا، نوه فتحعلیشاه آمده که: «ویوم دوشنبه پنجم چهار ساعت قبل از ظهر بر گاری سوار شده، دوازده میل خارج از لندن رفته در کنار رودخانه تمس، شهر بسیار عظیمی بنا نهاده بودند که اسم آن قورخانه دولت بود» (رضاقلی میرزا، ۱۳۴۶: ۴۴۷). وسعت و بزرگی این منطقه که شامل کارخانه‌های متعدد عرابه‌سازی، توپ‌سازی، چخماق‌سازی و قنداق‌سازی بوده مایه شگفتی هیأت ایرانی بوده است.

اگرچه مستندات تاریخی نشان می‌دهد قورخانه از زمان صفویه وجود داشته و در زمان فتحعلیشاه نیز فعالیت داشته است

اما در دوره ناصرالدین‌شاه با فعالیت‌های همه‌جانبه صنعتی و هنری، به صورت رسمی راه‌اندازی شد و در قالب یک وزارتخانه و بخشی از تشکیلات ارگ سلطنتی با نظارت خودش اداره می‌شده است.

آنچه در این مقاله اهمیت دارد بررسی روند تاریخی یا توجه به بخش نظامی قورخانه نیست بلکه به کار گرفتن امکانات فنی و مهندسی این کارخانه، برای تولید و خلق آثار هنری و صنایع بدیع مثل انواع مجسمه‌ها، درهای چدنی ریخته‌گری شده، نرده‌ها، میلمان کاخ‌ها و... است که امکان ساخت آنها در غیر از قورخانه ممکن نبوده است لذا می‌توانیم این کارخانه را اولین کارخانه صنعت و هنر در ایران قلمداد کنیم که در روند هنر این دوره تأثیرگذار بوده و قبلاً نیز سابقه نداشته است. به گفته ممتحن‌الدوله قورخانه از زمان تصدی جهانگیرخان گرجی به سال ۱۲۷۹ق معنی پیدا کرد. ایشان «چون میل فراوانی به صنایع جدید داشت و اهل صنعت را ترویج می‌کرد و به‌شخصه در صنایع یدی و بسط آن در ایران کوشش و جد وافی می‌کرد، قورخانه که به نام جبه‌خانه مشهور بود به ایشان سپرده شد و ملقب به وزیر صنایع گردید و در حقیقت باید گفت قورخانه ایران از اثر وجود این شخص هنرمند عالی‌مقام معنی پیدا کرد و اقسام مختلف اسلحه‌سازی و اثاثیه و لوازم جنگ ایجاد کرد» (خانشقاقی، ۱۳۵۳: ۲۷۹).

لازم به ذکر است که پدیده مدرن‌سازی و ایجاد کارخانه‌های صنعتی توسط امیرکبیر آغاز شد و همو با تأسیس دارالفنون و دعوت از استادان فرنگی، گام مهمی در این راستا بر می‌دارد و اقدام به تأسیس کارخانه‌های تصفیه شکر و قندسازی و بلورسازی در تهران و اصفهان و پارچه‌بافی در کاشان و تفنگ‌سازی در تبریز و اصفهان و توپ‌سازی در قورخانه تهران می‌کند و نمایشگاهی از کالاهای ایرانی در پایتخت احداث می‌کند. (شمیم، ۱۳۷۰: ۱۶۵). اما تغییر و تحول در قورخانه، زمانی رخ می‌دهد که ناصرالدین‌شاه به اروپا سفر می‌کند و مظاهر تمدن جدید را می‌بیند و علاوه بر خرید آثار مختلف و آوردن اشیاء اهدایی؛ از مجسمه‌های کلاسیک و مبلمانی که در زیباسازی شهرها در اروپا بکار رفته بود الگوبرداری می‌کند و دستور ساخت این موارد را به وزیر قورخانه می‌دهد. در واقع عملکرد قورخانه تحت تأثیر این سفرها قرار می‌گیرد و به‌مرور از مأموریت اصلی‌اش که ساخت توپ و تفنگ بوده است فاصله می‌گیرد. از همین روست که جعفر شهری معتقد است که: «قورخانه اگرچه عمل رسمی‌اش ساختن اسلحه و مهمات و ساز

اسب پرداخته‌اند. در مقاله «جنگ و مجسمه‌های شهری» ساخت مجسمهٔ ناصرالدین‌شاه را مرتبط با اقتدار و نوعی نمایش قدرت نظامی حکومت دانسته‌اند. «بعد از این حجم‌ها ناصرالدین‌شاه با سفر به اروپا و دریافت هدایا از دول خارجی، بازدید از موزه‌ها و مجسمه‌های سلاطین و افراد بنام که سوار بر اسب در میدان و اماکن عمومی حضور داشتند شیفتهٔ مجسمه‌های فیگوراتیو می‌شود و سفارش ساخت مجسمه خود را نیز درحالی که سوار بر اسب بوده به وزیر صنایع (اقبال السلطنه) و قورخانه می‌دهد. این بار اگرچه موضوع، ارجاع مستقیم به جنگ ندارد اما دلالت‌های ضمنی‌ای به سواره نظام دارد که خود با جنگاوری و نمایش قدرت نظامی می‌تواند ارتباط تنگاتنگی داشته باشد، البته این مضمون نه به عنوان ایده‌ای وارداتی که همواره در فرهنگ ایران نیز وجود داشت. چنانکه به گواه آثار بجای مانده و نقش برجسته‌ها، نقش پادشاهان سواره بر اسب نماد قدرت ایشان در جنگاوری، کشورگشایی و غلبه بر دشمن محسوب می‌شود؛ مانند نقش برجسته خسروپرویز سوار بر اسب در تاق بستان (عادلون، ۱۳۹۵: ۸۲).

#### ساختمان و کارخانجات داخل قورخانه

ساختمان قورخانه در ضلع شمالی ارگ سلطنتی و در جوار میدان توپخانه ساخته شد. از ضلع غربی به خیابان خیام (جلیل‌آباد)، در ضلع شمالی به خیابان امام خمینی (سپه یا همان خیابان مریضخانهٔ قدیم) در ضلع جنوب به ارگ سلطنتی و در ضلع شرقی متصل به میدان توپخانه بود. بنا به مستندات تاریخی، در این محوطه بزرگ، تعداد زیادی کارخانه از قبیل: کارخانه‌های فشنگ‌سازی، چرخ بخار، دباغی، قداره‌سازی، ریخته‌گری، کالسکه‌سازی و بخش‌های انبار، صحن‌ها، قراولخانه، سردرها، دودکش و سایر بناها وجود داشته است که در گزارش روزنامه‌ها و عکس‌های آلبوم‌خانه کاخ گلستان، تعدادی از این بخش‌ها از جمله، کارخانه چرخ بخار، عمارت و کارخانه فشنگ‌سازی و صحن اول قورخانه دیده می‌شود. (تصویر ۱) تشکیلات قورخانه تا دورهٔ رضاشاه ادامه داشته و بعد از آن به وزارت دفاع منتقل و ساختمان مربوطه در سال ۱۳۵۹ به شهرداری تهران واگذار می‌شود.

متأسفانه از این مجموعه بزرگ، امروزه فقط سردر آجری زیبا با مساحت حدود ۲۳۰ متر مربع باقی مانده که شامل دو طبقه اتاق کشیک‌خانه و قراولخانه با دیوارهای جانبی در ضلع غربی و شمالی است و بقیه محوطه، تبدیل به ایستگاه مترو

و برگ جنگی بود، اما کمتر اثری از آن‌ها به چشم می‌خورد و تنها فعالیتش تهیه وسایل آتش‌بازی بود که جهت نمایش شب‌های عیاد و جشن‌های ملی و مذهبی و امثال آن به کار می‌آمد. مانند تابلوهایی از پرچم و تاج و شیر و خورشید و مشابه آن که از لوله‌های باروت درست می‌شد و فشفشه و ترقه و خمپاره که به آن «قمباره» می‌گفتند و کوزه و ترقه و پاچه‌خیزک یا پاچه‌خزک و امثال آن که اوقات بی‌مصرف کارکنان آن را مشغول می‌کرد» (شهری، ۱۳۷۶: ۳۶).

در منابع مختلف تاکنون فقط به ساختن مجسمهٔ ناصرالدین‌شاه در قورخانه اشاره شده است اما این مقاله برای اولین بار، بر اساس مستندات تاریخی و تحلیل داده‌ها، به سایر موضوعات و مصنوعات هنری که در این کارخانه ساخته شده‌اند می‌پردازد و ثابت می‌کند که قورخانه مهم‌ترین مرکز تولید آثار هنری و مصنوعات فلزی از اواسط دورهٔ ناصر تا دورهٔ رضاشاه بوده است.

#### پیشینه پژوهش

خوشبختانه در منابع مکتوب دورهٔ قاجار مثل روزنامه، سفرنامه، زندگی‌نامه، خاطرات شاه و رجال درباری و همچنین کتاب و مقالات جدیدی که راجع به هنر و فرهنگ این دوره نوشته شده می‌توانیم مطالب مفید و مستندات تاریخی خوبی در این خصوص پیدا کنیم که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم به این موضوع اشاراتی کرده‌اند. از جمله مهم‌ترین منابع قدیم: روزنامه شرف و شرافت، روزنامه دولت علیه ایران، روزنامه وقایع اتفاقیه، کتاب الماثروالاثار اعتمادالسلطنه، کتاب افضل التواریخ از افضل الملک، مجموعه کتاب‌های روزنامه خاطرات ناصرالدین‌شاه که توسط مجید عبد امین گردآوری شده‌اند منابع دست‌اولی در این زمینه محسوب می‌شوند که در مقاله به آنها اشاره می‌کنیم.

در منابع جدید اغلب فقط به سرگذشت مجسمه مشهور ناصرالدین‌شاه پرداخته و سایر موضوعات مغفول مانده‌اند. مثلاً در کتاب پیشینه‌ی زیباسازی شهر تهران نوشته شهروز مهاجر و مرجان تاج‌الدینی، که توسط سازمان زیباسازی و نشر پیکره منتشر شده در فصل دوم و سوم این کتاب، به صورت گذرا و خیلی کلی، به عناصر تأثیرگذار بر فضاهای عمومی شهر تهران از دورهٔ قاجار تا دورهٔ پهلوی مثل آذین‌بندی خیابان‌ها، زیباسازی معابر، المان‌ها و مجسمه‌های شمایل‌ی و غیر شمایل‌ی، بخصوص داستان نصب سردیس و مجسمه تمام‌قد ناصرالدین‌شاه سوار بر

شده است. (تصویر ۲)

جایگاه و عملکرد قورخانه و همچنین اخبار بازدیدها و انعکاس فعالیت‌های قورخانه مبارکه در روزنامه‌های دوره ناصری، نشان از اهمیت این مجتمع بزرگ می‌دهد که در آن هنرمندان و صنعتگران ماهری در شاخه‌های مختلف هنری و صنعتی فعالیت می‌کرده‌اند و ناصرالدین‌شاه با راه‌اندازی و تجهیز این مجتمع صنعتی و هنری، بخصوص بعد از توسعه شهر تهران، علاوه بر ساخت ابزارآلات جنگی، قصد بهسازی و نوسازی دارالخلافه را مطابق الگوهای اروپایی و تثبیت قدرت حاکمیت در سطح ملی و بین‌المللی داشته است.

### آثار و مصنوعات هنری

#### الف. مجسمه‌ها

ناصرالدین‌شاه بعد از مسافرت‌هایش به اروپا، میل زیادی به ساختن مجسمه داشت زیرا آنها را یکی از مظاهر تمدن می‌دانست اما فضای عمومی جامعه مهیا نبود از این رو امکانات فنی را در قورخانه که امنیتش فراهم بود مهیا کرد و دستور ساخت چندین مجسمه را صادر کرد. ساخت انواع مجسمه مهم‌ترین سندی است که ثابت می‌کند، فعالیت قورخانه مبارکه، منحصر و محدود به ساخت ادوات جنگی و نظامی نبوده است و بخشی

از عملکرد آن، معطوف به تولید و طراحی آثار هنری بوده است. طبق گزارش‌ها و اسناد رسمی از دوره قاجار، انواع مجسمه‌ها در قورخانه ساخته شده‌اند که تا کنون، اغلب به مجسمه ناصرالدین‌شاه سوار بر اسب و سردیس او اشاره شده و سایر مجسمه‌ها بررسی و معرفی نشده‌اند که در اینجا به چند نمونه آن اشاره می‌شود:

۱. سردیس‌های ناصرالدین‌شاه: چندین مجسمه سردیس از ناصرالدین‌شاه باقی مانده است. ظاهراً برای اولین بار، یکی از همین سردیس‌ها را در خیابان لاله‌زار نصب می‌کنند. «در سال ۱۲۹۹ رئیس نظمیۀ کنت دمنت فرت مجسمه شاه را جهت زیبایی شهر برای اولین بار در مقابل خیابان لاله‌زار که در آن وقت از بهترین خیابان‌های شهر تهران بود نصب کرد» (سهیلی خوانساری، ۱۳۵۱: ۱۰۴۴). اما به دلیل مخالفت مردم، شاه به پسرش نایب‌السلطنه نامه‌ای می‌نویسد که این مجسمه را بردارند زیرا «کار خوبی نیست صورت ما در کوچه و جای تردد مردم و بچه‌ها و غیره، آخرش یک چیزی بروز می‌کند که باعث ندامت و حرف می‌شود بهتر این است صورت را از آنجا برداشته جایش گلدانی بگذارند و آن صورت را بدهید ببرند در تالار منزل خودتان بگذارید یا یک جای دیگر که مثل آنجا باشد» (سهیلی خوانساری، ۱۳۵۱: ۱۰۴۴). در منابع دوره قاجار اشاره‌ای به



عکاس میرزا عبدالباقی

خطیر همایون شاهنشاهی خلدالله مُلکه و سلطانه در دولت ایران روبه‌ترقی و کمال گذاشته است خاصه قورخانه مبارکه دولتی که امروز دارای کارخانجات متعدده بخار و صنایع و اعمال مختلف و کارکنان و استادان ماهر است و انواع اسباب و اشیاء و آلات فلزیه و خَشَبیه و غیره از ادوات و مهمات حربیه و غیر حربیه بوضع‌های خوب از روی کمال قدرت ساخته و پرداخته می‌شود از جمله در این اوقات بر حسب دستورالعمل جناب اقبال‌السلطنه وزیر قورخانه مبارکه مجسمهٔ از تمثال بی‌مثال بندگان اقدس همایون شاهنشاهی تقریباً باندازهٔ جسم و هیكل مقدس مبارک سواره با لباس رسمی ساخته و ریخته‌اند که از حیثیت صنعت ریخته‌گری و علم نقاشی و تناسب اعضا و دقایق استادی در این فن مخصوص مجسمه‌سازی بهتر از آن به تصور نمی‌آید مانند کارهای خوب استادان اروپا است و حال آنکه استادان و صنعتگران این مجسمه، تماماً ایرانی هستند» (صفی‌نژاد، ۱۳۶۱: ۲۰۲). در این گزارش علاوه بر ساخت مجسمه به کارخانجات مختلف و اسباب و اشیای فلزی و چوبی که توسط استادکاران ماهر در قورخانه ساخته می‌شوند اشاره می‌کند. گویا «ناصرالدین‌شاه چهار سال پس از برداشتن سردیس خیابان لاله‌زار، سفارش ساخت تندیس مفرغی خود را به «جهانگیرخان اقبال‌السلطنه» وزیر صنایع و قورخانه داد و وی «میرزا علی‌اکبرخان معمار» را برای انجام این کار در نظر گرفت. میرزا علی‌اکبرخان این تندیس را به اندازهٔ طبیعی شاه و سوار بر اسب ساخت. ابتدا قالبی گچی آماده شد و سپس در قورخانه از روی آن، تندیس مفرغی ریخته شد» (مهاجر و تاج‌الدینی، ۱۳۹۶: ۱۸۹). شاه در بازدید از قورخانه به تحسین این مجسمه و تشویق سازندگانش پرداخت.



تصویر ۳. راست: سردیس سنگی ناصرالدین‌شاه، ساخت فرانسه، هنرمند: Cravk، ۱۲۹۰ ق؛ چپ: سردیس فلزی ناصرالدین‌شاه، کپی از نمونه سنگی، قالب‌ریزی در قورخانه، تالار آیینه‌کاخ موزهٔ گلستان. (عکس: کیانوش معتقدی، ۱۴۰۱)

محل ساخت این سردیس‌ها نشده است اما به احتمال زیاد در قورخانه ساخته شده‌اند زیرا امکانات ریخته‌گری فراهم بوده است. گفته شده تعدادی از سردیس‌های ناصرالدین‌شاه از روی نیم‌تنه سنگی اهدایی به ایشان در سفر اول فرنگستان که هم‌اکنون در موزهٔ کاخ گلستان موجود است قالب‌گیری و از روی مدل سنگی کپی‌برداری و چند عدد تکثیر کرده‌اند. این تندیس توسط کراواک (Cravak) در فرانسه به سال ۱۲۹۰ هـ.ق ساخته شده است. در هر صورت «کار ساخت مدل گچی این مجسمه توسط استاد علی‌اکبر حجار باشی در قورخانهٔ مبارکه انجام و سپس در همان جا با چدن ریخته‌گری شد». (معتقدی و نامور یکتا، ۱۴۰۰: ۱۰۹) حدس می‌زنیم سردیس خیابان لاله‌زار یکی از همین‌ها بوده است. نکته‌ای که بر ساخت این مجسمه‌ها در قورخانه صحه می‌گذارد این است که در خاطرات شاه از مسافرت‌های فرنگ، اشاره‌ای به چنین سردیس‌های فلزی نکرده‌اند. (تصویر ۳)

۲. مجسمه تمام‌قد ناصرالدین‌شاه: در خصوص این مجسمه، مستندات زیادی وجود دارد اما در این دو سند (نخست، گزارش روزنامه شرف و شرافت و دوم، متن کتیبه مجسمه) توضیحات کافی ذکر شده است. در روی جلد روزنامه شرف و شرافت به سال ۱۳۰۴ ق، تصویر تمام‌قد این مجسمه درج شده و در گزارش مفصلی آمده «در این عهد جاوید مهد همایون کلیه اعمال و صنایع و فنون از حسن تربیت دولت و توجهات خاطر



تصویر ۲. سردر قدیم قورخانه، خیابان خیام، ورودی ایستگاه متروی امام خمینی. (نگارنده، ۱۴۰۰)

زحمت کشیده‌اند» (عین السلطنه، ۱۳۸۰: ۱۷۹).

چندین عکس از این مجسمه بزرگ در عکاس‌خانه کاخ گلستان وجود دارد که مربوط به بازدید شاه و رجال درباری‌اش در قورخانه هست و بقیه مربوط به محل نصب مجسمه‌اند. در عکس‌های قورخانه، کتیبه‌ای در پایه دیده نمی‌شود اما در پایه نهایی مجسمه در باغ شاه، کتیبه دیده می‌شود. کتیبه هر اثر هنری بسیار مهم و حائز اهمیت تاریخی است و جزو مستندات درجه یک محسوب می‌شود لذا متن این کتیبه به نقل از کتاب *افضل التواریخ عیناً نقل می‌شود*. این کتیبه به خط زیبای نستعلیق نوشته شده و بصورت برجسته، دور تا دور قسمت فوقانی پایه مجسمه جا نمایی شده است. محتوای این کتیبه منحصر به سرگذشت و روند ساختن این مجسمه نیست بلکه سیاقه‌ای از پیشرفت‌ها و موفقیت‌های دولت فخریه با این مضمون است.

«در سال صدم سلطنت قاجاریه، و چهلم سلطنت سلطان ابن السلطان ابن السلطان ناصرالدین شاه قاجار و امپراطور کل ممالک ایران، که درجه‌ی عدلش به کمال رسید و سبب امنیت طرق و شوارع و آسودگی رعیت گردید، کار هنر و صنایع بالا گرفت و آثار بزرگ به ظهور رسید؛ از جمله: مسافرت به عراق عرب و فرنگستان، و طلا نمودن گنبد مطهر عسکریین و حضرت عبدالعظیم علیهم السلام، و دایر شدن خطوط تلگراف به تمام ایران، و ظهور صنعت عکس، و تکمیل اداره پست و مریضخانه و پولیس و ضرابخانه، و افتتاح نمونه راه آهن، و تأسیس مدرسه نظامیه و چراغ گاز و برقیه، و تکمیل صنعت توپ و تفنگ و

چند روز قبل که بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شهریاری خلدالله ملکه تشریف‌فرمای قورخانه مبارکه شدند و نواب مستطاب والا نایب السلطنه امیرکبیر وزیر جنگ و جمعی دیگر از وزراء عظام و غیر هم ملتزم رکاب اعلی بودند. این مجسمه مبارکه بلحاظ نظر آفتاب اثر همایون رسیده زیاد از حد مورد تحسین و تمجید افتاد و موجب حیرت تمام ناظرین گردید. نخست نواب مستطاب والا شاهنشاهزاده معظم وزیر جنگ نظر بترقیات کلیه اعمال قورخانه مبارکه مشمول مراسم خاصه ملوکانه شده سپس جناب اقبال السلطنه وزیر قورخانه و همچنین هر یک از اساتید و صنعتگران این مجسمه مورد التفات و تحسین زیاد افتادند» (صفی نژاد، ۱۳۶۱: ۲۰۲).

سپس مقرر فرمودند این مجسمه مبارکه در جای مناسبی از اماکن دولتی دارالاحلافه نصب تا مردم بتوانند زیارت آن نائل شوند. (تصویر ۴) به گفته اعتمادالسلطنه «این مجسمه را در سال ۱۳۰۴ در قورخانه با چدن ریختند و شاه که در روز شنبه ۶ شعبان آن سال به سرکشی قورخانه رفته بود آن را دیده و پسندیده بود و گفته بود که در وسط میدان توپخانه نصب خواهم کرد، اما بعداً تغییر عقیده داد و در باغ شاه نصب کرد» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۶۶۴).

در خاطرات عین السلطنه از مراسم رونمایی مجسمه ناصری نقل شده: «شاهزادگان و وزیر مختارهای دول خارج تماماً رفتند وسط جزیره و روپوش مجسمه را برداشتند. صد توپ انداخته شد. مجسمه بسیار خوبی شده است. کار قورخانه مبارکه است. محل و مکانش هم بسیار نیکو است. کار اول ایران است. تا حال مجسمه نساخته بودند. خیلی



تصویر ۴. مجسمه ناصرالدین شاه در قورخانه، عکاس خانه زاد منوچهر، ۱۳۰۶ هجری قمری. (آلبوم خانه کاخ گلستان، شماره آلبوم: ۴۰)

در را باز کردند، دیدیم آنجا مجسمهٔ تمثال را به اندازهٔ جسمم ساخته‌اند، روی صندلی نشسته‌ایم و مجسمهٔ نایب‌السلطنه هم با لباس رسمی و نشان و حمایل و تمام لباس که ایستاده است در جلو ما، حقیقتاً هر دو را بسیار شبیه و خوب ساخته‌اند که در فرنگستان هم اعتقاد نداریم به این خوبی مجسمه بسازند. معلوم شد خیال دارند یک صفِ سلامی همین طور از اشخاصِ اهل سلام بسازند که در حضور ما ایستاده باشند و باید ما هم مثل عمارت‌های سلام، جایی بسازیم که این مجسمه‌ها را آنجا بگذاریم» (عبد امین، ۱۳۹۹: ۱۳۶). با این توصیف، مشخص است یک مجسمه تمام‌قد ایستاده از نایب‌السلطنه و یک مجسمه از خود شاه که بر روی صندلی نشسته است ساخته‌اند. اطلاعات دیگری در مورد این دو مجسمه موجود نیست.

۴. مجسمه مظفرالدین شاه: مظفرالدین شاه اگرچه با خزانه خالی روبه‌رو بود اما همانند پدر علاقه زیادی به مسافرت فرنگ داشت و به تاسی از پدر میل داشت مجسمه‌اش ساخته شود. (تصویر ۶) آن‌طور که افضل‌الملک نقل کرده، این مجسمه ساخته نشده است. «در این دوره این شاهنشاه باذل خواست مجسمهٔ خود را اجزاء قورخانه بسازند؛ از عهده بر نیامدند و گفتند: "ما را قوهٔ ساختن نیست. باید فلان اسباب را از فرنگ برای ما حاضر کنید تا چنین مجسمه‌ای بسازیم."» (افضل‌الملک، ۱۳۶۲: ۴۵۱) اما محسن مقدم فرزند احتساب‌الملک ساخت این مجسمه را تأیید می‌کند. «در این زمان مجسمه‌ای از ناصرالدین‌شاه ساخته شد که در باغشاه قرار داشت و بعد هم یک مجسمه از مظفرالدین شاه سوار بر اسب که کارت‌پستال هر دو مجسمه موجود است.<sup>۵</sup>

آلات حربیه، و احداث باغات و خیابان‌ها و بناهای عالییه، و ساختن راه‌های صعب‌العبور، و وسعت شهر دارالخلافهٔ تهران، و ایمن ساختن عموم رعایا و تبعهٔ ایران را به مال و جان خود به همت بلند شاهانه، و ازدیاد اراضی و ممالک بر مملکت ایران از طرف بلوچستان و سیستان و استرآباد و خراسان و در زمان وزارت جنگ حضرت والا کامران میرزا نایب‌السلطنه، امیرکبیر و حکمران دارالخلافهٔ تهران، و وزارت اعظم جناب مستطاب امین‌السلطان، وزیر داخله و مالیه و دربار، به اهتمام جناب جلالت‌مآب آقا رضاخان اقبال‌السلطنه، وزیر قورخانهٔ مبارکه و پیشخدمت خاصه و جنرال آجودان مخصوص همایونی، این مجسمه به یادگار و برقرار شد. به تاریخ هفتم شهر محرم الحرام، مطابق سال سیچقان نیل، سنهٔ یک هزار و سیصد و شش هجری در قورخانهٔ مبارکه صورت اتمام پذیرفت؛ ۱۳۰۶.» (افضل‌الملک ۱۳۶۲ ص ۴۰۱). (تصویر ۵)

۳. مجسمه نایب‌السلطنه: کامران میرزا نایب‌السلطنه سومین پسر ناصرالدین‌شاه و از سال ۱۲۹۷ به وزارت جنگ منصوب شد. «در این سمت امور مربوط به قورخانه و تفنگ‌سازی و فشنگ‌سازی هم با او بود» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۱: ۴۳۷). در خاطرات و روزنوشت‌های ناصرالدین‌شاه، به ساخت مجسمه خود و فرزندش در قورخانه این‌گونه اشاره می‌کند. «بعد آمدیم از در مخزن سوار کالسکه شدیم، رفتیم به قورخانه. آنجا که رسیدیم، چون خیلی خسته بودیم، اول به اطاقی که جهت راحت ما حاضر کرده بودند، آنجا رفتیم نشستیم؛ چیزی خوردیم راحتی کردیم. از این اطاق دری باز می‌شد به اطاق دیگر که پهلوی همین اطاق است؛



تصویر ۵. مجسمهٔ ناصرالدین‌شاه در باغ شاه، عکاس خانهٔ زاد منوچهر، ۱۳۰۶ هجری قمری. (آلبوم‌خانهٔ کاخ گلستان، شمارهٔ آلبوم: ۴۰۱)

کردیم. قورخانه هم مجسمهٔ زیادی از مرال و شیر و غیره ساخته بودند» (عبد امین، ۱۳۹۹: ۳۷۷). در تصویر ۷، علاوه بر دو مجسمه گوزن که روی سکو و پایه قرار گرفته‌اند، تعداد زیادی مجسمه‌های کوچک و بزرگ انسانی، پیرامون حوض دیده می‌شوند که به عنوان پایه چراغ از آنها استفاده شده است. با توصیفات و امکاناتی که وجود داشته، به احتمال غریب به یقین، این مجسمه‌ها نیز در قورخانه ساخته شده‌اند. (تصویرهای ۷ و ۸)

جالب‌تر اینکه، شاه بر محل نصب این مجسمه‌ها نظارت داشته و بر اساس سلیقه و جایی که ایشان تعیین می‌کردند گذاشته می‌شدند. شاه در یکشنبه، هشتم شوال، قبل از عزیمت به دوشان تپه، ابتدا گردشی در باغ می‌کنند و به اتفاق ملازمان از جمله امین همایون، دستور می‌دهند که «جای مارال<sup>۳</sup> مجسمه که



تصویر ۷. مجسمه‌های اطراف حوض در کاخ گلستان، روبه‌روی تالار اصلی (موزه)، (آلبوم‌خانهٔ کاخ گلستان، شمارهٔ ۱۱۰۳)



تصویر ۸. مجسمه گوزن، بخشی از تصویر ۷. (آلبوم‌خانهٔ کاخ گلستان، شمارهٔ ۱۱۰۳)

این مجسمه‌ها را صنعتگران معمولی ساختند و متأسفانه هر دوی آن را خراب کردند و از بین بردند» (جمشیدی، ۱۳۷۳: ۳۷۳).  
۵. مجسمه حیوانات: بر اساس عکس‌های آلبوم‌خانهٔ کاخ گلستان، در حیاط ارگ سلطنتی، چندین مجسمه از آدم‌ها و حیوانات دیده می‌شود که در حال حاضر، فقط دو مجسمه شیر در طرفین ورودی تالار اصلی گلستان (موزه) موجود هستند. آیا این مجسمه‌ها در قورخانه ساخته شده‌اند؟ بله. مطابق اسناد تصویری و خاطرات ناصرالدین‌شاه، این مجسمه‌ها در قورخانه ساخته شده‌اند. ناصرالدین‌شاه حداقل در دو مورد اشاره مستقیم به این مجسمه‌ها داشته‌اند. «امروز باغ بودیم؛ بعد از ناهار نایب‌السلطنه و صدراعظم و نظام‌الملک را خواستیم آمدند کار داشتیم، خیلی حرف زدیم. سه به غروب مانده باید برویم به قورخانه. از در الماسی آمدیم بیرون و سوار کالسکه شدیم و رانندیم. از میدان توپخانه گذشتیم و اوّل رفتم به فشنگ‌سازخانه. نایب‌السلطنه بود، جمعیت غریب بود، هر کسی که بخواهی بود. نایب‌السلطنه بود، سالارالسلطنه بود؛ مشیرالدوله [و] مخبرالدوله [بودند]. صدراعظم هم بود، اما دستش درد می‌کرد. عمله خلوت [و] جمعیت زیادی بود. اوّل فشنگ‌سازخانه را گردش کردیم، بعد آمدیم قورخانه. تفنگ‌هایی که مُسّطس خریده بود آورده بودند، توی صندوق‌ها بود تماشا



41. - TÉHÉRAN. - Statue de Nasser-Ed-Din-Schah dans l'Arsenal

تهران مجسمه ناصردین شاه در قورخانه

تصویر ۶. مجسمه مظفرالدین‌شاه. (مأخذ: تهران پریروز)

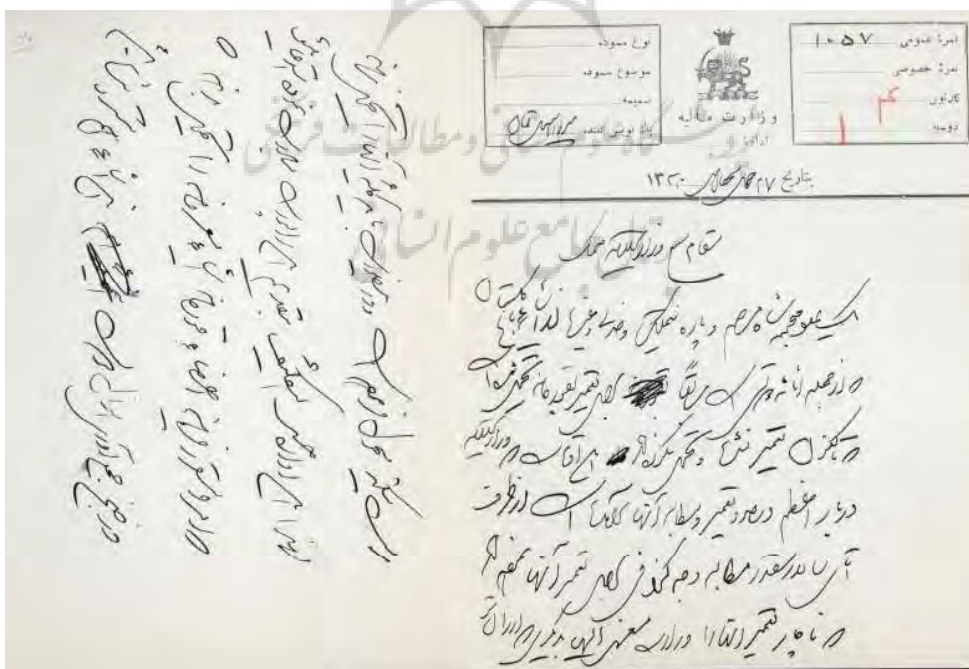


ب. درهای ریخته‌گری شده چدنی

۱. سردر باغ ملی: هم‌زمان با توسعه و نوسازی تهران در ۱۲۸۴ ق، بخصوص از زمان سفر دوم ناصرالدین‌شاه به فرنگستان، ساخت‌وساز کاخ‌ها، قصرها، خانه‌های اعیان و اشراف و دروازه‌های شهر گسترش و شتاب بیشتری پیدا کرد. به طور طبیعی، در، پنجره، نرده و ابزار و یراق‌آلات جزو ملزومات ضروری این‌گونه اماکن بود و تقریباً تمام یا اغلب این‌گونه وسایل در قورخانه ساخته می‌شدند. بخصوص درهای بزرگ، مثل سردر باغ ملی، سردر شمس‌العماره، سردر قورخانه، سردر کاخ مرمر، دروازه دولت و سایر بناهای مهم حکومتی در این دوران، اما شاخص‌ترین نمونه‌ای که خوشبختانه تقریباً به‌طور کامل باقی مانده و حفظ شده، سردر باغ ملی تهران یا همان دروازه ورودی به میدان مشق قدیم بوده که در خیابان امام خمینی (سپه) در ضلع شرقی موزه ایران‌باستان واقع شده است. معمار این دروازه استاد جعفر کاشی، سازنده درهای چدنی، هنرمندی است به نام "محمدعلی کرمانی" که نامش روی قسمت هلالی دروازه حک شده است. در حاشیه همین طاق قوس‌دار کتیبه‌ای به خط نستعلیق به صورت برجسته وجود دارد که نوشته این اثر در سنه ۱۳۴۱ در قورخانه ساخته شده است. متن کتیبه این‌گونه هست «در قورخانه بدستور و مراقبت آقای خسروخان سردار اعتماد

در قورخانه ساخته‌اند نشان دادیم که کجا بگذارند» (عبد‌امین، ۱۳۹۹: ۴۹۱)

۶. سند استرداد یک مجسمه: مطابق سند شمارهٔ ۱۰۵۷ وزارت مالیه به وزارت جنگ، تقاضای استرداد تعدادی از اشیاء و یک عدد مجسمه شاه از قورخانه را اعلام می‌کنند. (تصویر ۹) مضمون نامه این‌گونه هست: مقام منبع وزارت جلیلهٔ جنگ؛ یک عدد مجسمه شاه مرحوم و پاره نیمکت و صندلی و غیرها از اشیاء باغ گلستان که از جمله اثاثه دولتی است سابقاً برای تعمیر به قورخانه تحویل شده است که تا کنون تعمیر نشده و تحویل نگردیده است. این اوقات که وزارت جلیلهٔ دربار اعظم در صدد تعمیر و مطالبهٔ آنها برآمده است، از طرف آقای سالار مقدر مطالبهٔ وجه گزافی برای تعمیر آنها نموده‌اند که ناچار تعمیر آنها را وزارت معززی‌الی‌ها بدیگری که ارزان‌تر مرمت می‌کند محول فرموده است و در این صورت باید کلیه آنها را تحویل نهند، لهذا این اداره حسب‌التکلیف به‌تقدیم این راپورت مبادرت نموده استدعا می‌شود که امر و مقرر فرمایند اعضاء قورخانه اشیاء معروضه را تحویل بدهند که در ضمن جمع‌آوری اموال دولت این اشیاء هم مسترد نمایند. (سند ۱۰۵۷ کاخ گلستان، وزارت مالیه، بتاريخ ۲۷ جمادی ۱۳۳۰) طبق این‌گونه اسناد، کار تعمیر و مرمت اشیاء هنری در قورخانه انجام می‌شده است.



تصویر ۹. نامه استرداد مجسمه و اشیاء از قورخانه، ۱۳۳۰ ه.ش. (مرکز اسناد کاخ گلستان، شمارهٔ ۱۰۵۷)

کهن ایرانی است که از مهرپرستی، اخترشناسی تا نماد شیعی را در بر می‌گرفته و به‌وفور در آثار فلزی دوره‌های مختلف بکار رفته است. در اینجا علاوه بر نمادهای قبلی، تاج پادشاهی نیز به این مجموعه اضافه شده است. (تصویرهای ۱۱ و ۱۲)

سه هنرمند به نام جعفر کاشی (معمار)، حسین کاشی‌چی (نقاش و سازنده کاشی‌ها) و محمد علی کرمانی (سازنده درها) نقش اساسی در ساخت این دروازه داشته‌اند. از محمدعلی کرمانی هیچ اطلاعاتی منتشر نشده است. ویلم فلور به صنعت‌کار ماهری اشاره می‌کند که برای آموزش به اروپا فرستاده و بعدها رئیس قورخانه شده است. «با اینکه شمار دانشجویان اعزام شده به فرنگ اندک بود، اما همین تعداد هم بر اوضاع اجتماعی و اقتصادی کشور تأثیر گذاشتند، چراکه بعضی از آنها آنچه در فرنگ آموخته بودند در عمل پیاده کردند. جدا از تأسیس صنایع چاپ، شاهد آن هستیم که تنها صنعتگری که در میان دانشجویان بود و محمدعلی نام داشت بعد از بازگشت از اروپا، به ریاست قورخانه (جبارباشی) منصوب شد» (Floor, 1991: 317). آیا این همان صنعتگر ماهری است که به فرنگ رفته یا کس دیگری است، نیاز به تحقیقات بیشتر دارد.

رئیس کل قورخانه ساخته زینت‌بخش بنای تاریخی گردید سنه ۱۳۴۱ هجری». (تصویر ۱۰)

ابعاد این درهای فلزی آن‌قدر بزرگ هست که تا کنون چنین درهایی سراغ نداشته‌ایم و به جهت فنی، اجرای آنها بسیار سخت و نیاز به تجربه، دانش و تخصص ویژه داشته است. درها دولنگه و ابعاد در بزرگ، در حدود ۴×۹ متر است. جنس درها از چدن ریخته‌گری شده، و اتصالات تماماً به صورت میخ‌وپرچ و چفت‌های حلقوی است که به صورت قطعات کوچک‌تر در قورخانه ریخته‌گری شده‌اند و بعداً به همدیگر متصل و در نهایت رنگ‌آمیزی شده‌اند. طرح و نقش‌ها مطابق الگوها و نقوش ایرانی به صورت قرینه‌وار در کمال پختگی کار شده و فضای مشبک این نقوش، علاوه بر ایستایی، به زیبایی درها افزوده است.

نقوش ازدها، شیر و خورشید، فرشتگان و آلات حرب و سازهای جنگ، لابه‌لای نقوش اسلیمی و ختایی قرار گرفته‌اند. انتخاب این نقوش، بخصوص موجودات دوگانه (عجایب نگاری) ریشه در باورها و کارکردهای اسطوره‌ای آنها داشته است. به عنوان مثال نقش شیر، نمادی از قدرت و حالت نگهبان و نگهدارنده دروازه بوده است. یا نقش شیر و خورشید از نمادهای



تصویر ۱۰. کتیبه فلزی سردر باغ ملی، عمل محمد علی کرمانی، ۱۳۱۴. (نگارنده)



تصویر ۱۱. نمای بیرونی سردر باغ ملی، خیابان امام خمینی (سپه)، ۱۳۱۴. (عکس: نگارنده)

اشیاء فلزی از قبیل نرده، پنجره‌های آهنی، ستون‌های ریخته‌گری چدنی، پایه چراغ چدنی برای محوطه و اشیاء مختلف دیگر بوده‌اند. هنوز در بعضی از این کاخ‌ها مثل عمارت شمس‌العماره و کاخ سلطنت‌آباد می‌توانیم این‌گونه اشیاء فلزی را مشاهده بکنیم. (تصویر ۱۳) روایت‌های تاریخی نشان می‌دهد تزئینات و مبلمان عمارت‌های شاهی در قورخانه ساخته می‌شده‌اند. در گزارش نمرة ۶۵ روزنامه شرف و شرافت سنه ۱۳۰۶ ق. در وصف عمارت مبارکهٔ خوابگاه آمده: «این عمارت مبارکه که بوضع و طرح یکی از عمارات بسیار خوب فرنگستان است، دو سال قبل بتوسط جناب جلال‌تصاب امین السلطان وزیر اعظم داخله و مالیه و در بار اعظم در عمارت و حیاط فسیح الفصای حرم‌خانه جلالت که شش هفت سال قبل صورت و شرح بنای آن در روزنامه شرف مرتسم و مسطور شد بنا شده است. این عمارت بدیع‌الوضع خوابگاه که عمارت مجرد منفردیست مایل بطرف شمالی حیاط حرم‌خانه مبارکه بنا شده و چهار طرف آن مفتوح و منفصل از ابنیه دیگر است، مشتمل بر سه مرتبه و دارای وضع و هیئتی خوش که هنوز بدین‌وضع مخصوص بنای قصری

۲. درب قورخانه: از جمله قسمت‌های باقی مانده قورخانه، یک در بزرگ و چند لوح نقش‌برجسته فلزی است. این درها «که مزین به آلات و ادوات نظامی هستند نیز در قورخانه ریخته‌گری شده‌اند. هر دوی این درها توسط استاد محمدعلی کرمانی طراحی و توسط استادکاران قورخانه (استاد نایب باقر، استاد اصغر آهنگر، استاد عبدالحسین ریخته‌گر) ساخته شده‌اند» (نجمی، ۱۳۷۵). (تصویر ۲)

۳. درهای دروازه دولت: مهم‌ترین دروازه ضلع شمالی ارگ سلطنتی، دروازه دولت در خیابان الماسیه بود که سه در بزرگ داشت. «یک در بزرگ چدنی که در قورخانه ریخته بودند و ظاهراً اولین در چدنی یک‌تکه‌ی ریخته شده در ایران بوده است» (مهاجر و تاج‌الدینی، ۱۳۹۴، به نقل از معتمدی، ۱۳۸۱: ۲۳۱). هر دری دولنگه داشت که معمولاً به‌اندازه عبور یک کالسکه، گاری یا درشکه بود.

ت. مبلمان کاخ‌ها و اسباب خانه‌ها  
بخشی از مبلمان کاخ‌ها و خانه‌های اعیان دورهٔ قاجار اسباب و



تصویر ۱۲. بخش‌هایی از درهای سردر باغ ملی، به روش ریخته‌گری و میخ و پرچ. (عکس: نگارنده)

اما کریم‌زاده تبریزی از نقاش قلمدان و میناساز اصفهانی یاد می‌کند که در قورخانه کار می‌کرده است. «متأسفانه از احوال این هنرمند نیز بسان هنرمندان دیگر در اسناد و نوشته‌های قدیمی چیزی نیافتیم، فقط در یک جنگ خطی قاجاری که در مجموعه دارم، در یکی از صفحات آن، باختصار از این نقاش یاد کرده و چنین نوشته است (میرزا عبدالرحیم نقاشباشی قورخانه است)» (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۶۳م، ۳۲۸). تاریخ اثر مذکور ۱۳۰۷ ق. است لذا «معلوم می‌داشت این هنرمند در بدایت حال معلم نقاشی قورخانه بوده و لقب نقاشباشی داشته و در همین سنوات در قید حیات بوده است» (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۶۳م، ۳۲۸). اگرچه در ساختار اداری قورخانه، نقاشباشی ملاحظه نشد اما با توجه به تولید آثار هنری از قبیل انواع مجسمه و طراحی انواع مدال‌ها، حضور طراح و نقاش در قورخانه قابل توجیه و ضروری به نظر می‌رسیده است.

#### ج. نشان و سکه‌های یادبود

قاجارها بخصوص ناصرالدین‌شاه علاقه زیادی به ضرب نشان و سکه‌های یادبود داشتند. نشان‌های نظامی و غیر نظامی از جنس طلا، نقره، مس و برنجی که به مناسبت‌های مختلف باز دیده‌های شاهانه و سالگردها ضرب می‌شدند. تصور اولیه این است که

در عمارات مبارکه سلطنتی نشده بود. بانواع زینت‌های بتائی و حجاری و محجرهای مزین فلزی کار قورخانه ایران مزین است و باقسام بساطها و مبلهای نفیس گرانها آراسته» (صفی‌نژاد، ۱۳۶۱: ۲۶۴) محجر همان زده‌های فلزی است که در راه‌پله‌ها و حفاظ‌های پاسیو استفاده می‌شده است. در روزنامه دولت علیه، شاه از کیفیت مناسب چراغ‌هایی که در قورخانه ساخته شده‌اند تعریف و تمجید می‌کند. «چراغ‌های ستونی چدنی که در این کارخانه ریخته شده، به هیچ‌وجه تفاوتی با چراغ‌های ستونی که از فرنگستان آورده بودند نداشت» (صنیع‌الملک، ۱۳۷۲: ۱۲۲۳). کاروبار در قورخانه گاهی به ساخت قطعات یدکی نیز کشیده می‌شد. ممتحن‌الدوله هنگام نصب تلمبهٔ قوام‌الدوله، یک قطعه از تلمبه گم می‌شود و برای ساخت مجدد آن به قورخانه مراجعه می‌کند. «بدبختانه هنگام نصب چهار لوله و زانوهای یک پیچ و مهره به آب انبار افتاد. هر قدر آدم فرستادیم که از میان لجن‌ها پیدا کند و بالا بیاورد ممکن نشد. مجبوراً صورت و اندازهٔ آن را روی کاغذ کشیدم و چند روز به قورخانه رفتم و با استاد آهنگر کمک کردم تا پیچ را ساختند (خان‌شقاقتی، ۱۳۵۳: ۲۷۴).

#### ث. نقاشباشی قورخانه

شاید دور از ذهن باشد که قورخانه، نقاشباشی هم داشته است



تصویر ۱۳. زده‌ها و ستون‌های ایوان‌های عمارت شمس‌العماره. (عکس: نگارنده)

از صنعتی و هنری در قورخانه فعالیت می‌کرده‌اند. شرح این گزارش‌ها مَطُول است لذا به برخی از آنها به صورت مختصر اشاره می‌شود.

۱. کالسکه‌سازی: کالسکه اولین بار در زمان شاه‌عباس از روسیه و انگلستان وارد شد اما در دورهٔ قاجار، ابتدا در اصفهان و بعد در تهران ساخته شد. «به دستور امیر و اهتتام حسینعلی خان پسر دوست‌علی خان بسطامی و حسنعلی محمدقلی بیگ نامی کارخانه کالسکه‌سازی در قورخانه احداث شد و از آن به بعد کالسکه سواری میان عامه مردم مرسوم گردید» (منصور بخت و حسینی، ۱۳۹۶: ۱۲۹).

۲. ارس‌سازی: در روزنامه وقایع اتفاقیه به کوره فولادسازی اشاره شده است. «در قورخانه مبارکه دارالخلافه در کارخانه قداره‌سازی عالیجاه میرزا علی‌اکبر سرهنگ قورخانه کوره جبهه پختن فولاد جوهردار ساخته و در کوره هم پخت کرده و فولادش هم بسیار خوب شده است که شمشیر و قداره‌های خوب ساخته شده است» (بی نام، ۱۳۷۳: ۱۲۶۷).

۳. بلورسازی و چینی‌سازی: با توجه به پیشینه و در دسترس بودن مواد اولیه شیشه و بلور در ایران، زمینه راه‌اندازی چنین کارخانه‌های فراهم بوده است لذا به دستور شاه و مطابق اخبار روز پنجشنبه ۲۳ رجب ۱۲۶۸ق، بر عمارات سلطانی و بناهای قدیم، بیوتات و ساختمان‌های جدید افزوده می‌شود. بخش عمده این عمارات در محدوده و فضای قورخانه ساخته شده‌اند از جمله: «کارخانه بلورسازی چینی‌سازی نیز در قورخانه مبارکه و میدان حسب‌الامر همایون ساخته شد» (خدادادی به نقل از وقایع اتفاقیه، ۱۳۹۸: ۲۹). ده سال بعد در روزنامه دولت علیه در خصوص کارخانه چینی‌سازی نوشته شده «چینی جدید که

این‌گونه آثار علی‌القاعده بایستی در ضربخانه ساخته شوند اما دست‌کم ضرب یک مدال، به‌وضوح ضرب این‌گونه نشان‌ها را در قورخانه تأیید می‌کند. این نشان از نقره ساخته شده و مزین به تمثال نیم‌تنه ناصرالدین‌شاه هست و به میمنت بازدیدش از قورخانه، در آنجا ضرب شده است. (تصویر ۱۴)

روی نشان: داخل دایره وسط تمثال و چهره ناصرالدین‌شاه و در دایره پیرامونی اش کتیبه‌ای به این مضمون نوشته شده است «به میمنت تشریف‌فرمایی شاهنشاه ایران در قورخانه مبارکه بجهه افتخار اداره ضرب شد». (مشیری، ۱۳۵۰: ۲۱۳)

پشت نشان: در وسط شیر و خورشید و دو فرشته تاج کیانی را بالای شیر گرفته‌اند و رقم ۱۳۰۱ ق. در زیر پای شیر حک شده است. «از این مدال، مسی هم دیده شده است» (مشیری، ۱۳۵۰: ۲۱۳).

به‌احتمال زیاد و با توجه به اهمیت و امکانات و کیفیت کارخانه‌های قورخانه، پاره‌ای از مدال‌ها و نشان‌های افتخار، مثل نشان‌های شیر و خورشید، نشان ذوالقرنین و سایر نشان‌های دولتی در همین قورخانه طراحی و ساخته شده‌اند که فقط روی یکی از آنها به یادگار، قورخانه درج شده است.

همچنین «هرچه از فرنگ (اروپا) به طور نمونه از آهن‌کاری و چدن‌ریزی و نجاری به دست آورد در قورخانه به طریق احسن ساخته و واقعاً مرکز تمام اهل صنعت ایران شده است» (خانمشاقی، ۱۳۵۳: ۲۷۹).

### چ. سایر کارخانه‌ها

گزارش‌های متعدد دورهٔ قاجار تا پهلوی اول، بخصوص در روزنامه‌ها، حکایت از این دارد که کارخانه‌های مختلفی اعم



تصویر ۱۴. سکه ضرب قورخانه به میمنت تشریف‌فرمایی شاهنشاه. (URL: 1)

بازدیدهای شاه، انعکاس اخبار در روزنامه‌ها و عکس‌هایی که در آلبوم‌خانه ارگ سلطنتی موجود است درک کنیم لذا می‌توانیم این فعالیت‌ها را در راستای به‌رُخ‌کشیدن قدرت، نشان دادن توانمندی‌های فنی و هنری ایرانیان، یا به قول خودشان از حیث صنعت ریخته‌گری، علم نقاشی، تناسب اعضا و دقایق استادی، این مجسمه‌هایی نظیر و مثل کارهای استادان اروپاست. در واقع ناصرالدین‌شاه یک نوع نهادسازی جدید در ساختار تشکیلات حکومتی، در ذیل قورخانه ایجاد کرد تا مصون از حرف و حدیث‌های بخش مذهبی و متدین جامعه، منویات خودشان را جامعه عمل بپوشانند.

عملکرد قورخانه نشان می‌دهد، کم‌کم وجه نظامی‌اش کاسته و فعالیت هنری‌اش بیشتر می‌شود و این امکانات در خدمت آذین‌بندی و زیباسازی کاخ‌ها، قصرها، بخصوص ارگ سلطنتی و سایر عمارات حکومتی و عمومی و در مرحله بعد سفارش‌های خصوصی رجال درباری قرار می‌گیرند. تقریباً تمام یا بخش عمده‌ای از مبلمان و زیباسازی کاخ‌ها و قصرهای درباریان از قبیل پایه چراغ‌های روشنایی، در و پنجره، نرده و ابزار و یراق‌های فلزی و چوبی، در همین قورخانه ساخته می‌شدند.

با همه فعالیت‌های گسترده‌ای که در این مجتمع سلطنتی صورت می‌گرفته اما آنچه فعالیت هنری قورخانه را زبانزد کرده است ساخت مجسمه فلزی سوار بر اسب نشسته ناصرالدین‌شاه و درهای بزرگ ریخته‌گری شده سردر باغ ملی است که هر دو رقم ساخت در قورخانه را دارند و توجه مخاطبین خاص و عام را جلب نموده‌اند لذا موارد دیگر مثل مجسمه کامران میرزا، مجسمه حیوانات، مجسمه مظفرالدین شاه از نظرها پنهان مانده است. این پژوهش برای نخستین بار و باتکیه بر مستندات تاریخی و کتابخانه‌ای، موارد متعدد دیگری از آثار هنری و فنی را معرفی می‌کند که در قورخانه مبارکه طراحی و ساخته شده‌اند؛ بنابراین و بنا بر روایت‌های نقل شده، می‌توانیم حضور و فعالیت هنرمندان مختلف اعم از نقاش، مجسمه‌ساز، فلزکار، حکاک، ریخته‌گر، نجار و سایر حرفه‌های مرتبط را در قورخانه حتمی بدانیم و اذعان کنیم که توجه به ساخت‌وسازهای صنعتی و هنری، بخصوص در اواخر دوره ناصری، بیش از پیش، مورد توجه حاکمان بوده است از این رو، قورخانه را می‌توانیم اولین کارخانه صنعت و هنر با مختصات مدرن در عرصه تاریخ فرهنگ و هنر ایران قلمداد کنیم که فعالیت آن ابعاد مختلف هنری، سیاسی و اجتماعی داشته است.

ساخته شده است با اینکه اسباب و کارخانه او درست فراهم نیامده است خالی از امتیاز نبود مورد تحسین شد و در تکمیل آن کمال مراقبت می‌شود که در کوره دیگر خیلی ممتازتر از این چینی‌ها بشود» (صنیع الملک، ۱۳۷۲: ۱۲۲۳).

۴. کارخانه دباغی و نجاری: در اخبار مدرسه دارالفنون آمده که هنگام بازدید ناصرالدین‌شاه از این مجموعه، از ساخت تجهیزات و دستگاه‌های صحافی، بلورسازی مشعوف شده است. «شاگردان مدرسه مبارکه دارالفنون که صنایع خود را در پاریس تکمیل کرده و بدارالخلافة معاودت نموده بودند از قبیل نجار و علاقه بند و دباغ امر و مقرر گردید اعتضادالسلطنه وزیر علوم از برای هر یک کارخانه مخصوصی ساخته عمل آنها را ترویج و کارخانه دباغی به سپهسالار حکم شد که در قورخانه مبارکه بسازد» (صنیع الملک، ۱۳۷۲: ۲۵۲). شاه مرتب امور قورخانه را پیگیری و زیر نظر داشته است. در قورخانه علاوه بر کارخانه‌های مذکور، تجهیزاتی مانند: «چرخ اره بزرگ و کوچک که هر قسم چوب و تخته را با آن پارچه‌پارچه می‌کنند. چرخ دمیدن برای چدن‌ریزی و آهن‌گری از هر مقوله در نهایت خوبی، دو چرخ بافته جهت امتحان لباس سرباز و توپچی دو پاره اختراع شده در نهایت خوبی و امتیاز ترقی خواهد کرد» (صنیع الملک، ۱۳۷۲: ۱۲۲۳). وجود این همه تجهیزات صنعتی و فنی و هنری، کسانی مثل ابوالحسن صبا را در جوانی ترغیب می‌کند که چند صباحی در قورخانه مشغول یادگیری فنون مختلف شوند. «صبا در جوانی در قورخانه کار می‌کرد و در آن جا کارهای فنی را از قبیل نجاری و ریخته‌گری و سوهان‌کاری آموخت» (الموتی، ۱۳۷۷: ۸۹)

### نتیجه‌گیری

قورخانه جایی بوده که اسباب و تجهیزات جنگی ساخته می‌شده اما ناصرالدین‌شاه و رجال درباری، به منظور تحول‌گرایی و نوسازی دارالخلافة و تحت تأثیر مسافرت‌هایی که به اروپا و مغرب‌زمین داشته‌اند، با همکاری مستشاران غربی و با وارد کردن تجهیزات و ابزارآلات فنی و مهندسی، اقدام به تأسیس کارخانه‌هایی نظیر: چرخ بخار، فشنگ‌سازی، قداره‌سازی، ریخته‌گری، دباغی، چوب‌بری و... در محدوده و محل قورخانه مبارکه می‌کنند. این رویکرد، قورخانه را تبدیل به یک مجتمع صنعتی و هنری می‌کند که تعداد زیادی هنرمند و صنعتگر، در کنار هم و پایه‌پای یکدیگر منویات و سفارش‌های شاهانه در دوزمینه نظامی و غیر نظامی را تأمین می‌کردند، اهمیت و جایگاه قورخانه را می‌توانیم از میزان

## پی‌نوشت‌ها

۱. سال موش
۲. تصویری از این مجسمه در سایت تهران پریروز موجود است که در ذیل عکس، به اشتباه درنوشته لاتین و فارسی درج شده: «طهران مجسمه مرحوم ناصرالدین شاه در قورخانه» در صورتیکه با مقایسه دو مجسمه پدر و پسر، پی به تفاوت‌هایشان می‌بریم از جمله سیبلها، نحوه قرارگیری پا و سابقند پا. و جزئیات دیگری که روشن می‌کند هر دو مجسمه در قورخانه مبارکه ساخته شده‌اند.
۳. غزال و آهو

## فهرست منابع

- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۳). *الامائر و الاثار*، نسخه چاپ حروفی، جلد دوم، تهران: انتشارات اساطیر.
- افضل الملک، غلامحسین (۱۳۶۱). *افضل التواریخ*، به کوشش منصور اتحادیه (نظام مافی)، سیروس سعدوندیان، چاپ اول، تهران: نشر تاریخ ایران.
- الموتی، مصطفی (۱۳۷۷). *نامداران معاصر ایران، زندگینامه یک هزارتن از شخصیت‌های ایرانی*، لس آنجلس: نشر کتاب سهراب.
- دورهٔ روزنامه‌های شرف و شرافت، با مقدمه جواد صفی‌نژاد، ۱۳۶۳، تهران: انتشارات یساولی.
- بی‌نام (۱۳۷۳). *روزنامه وقایع اتفاقیه*، جلد اول، نمره سی و سوم، بیست و یکم ذیقعه الحرام ۱۲۶۷ ه.ق، تهران: چاپ اول، کتابخانهٔ ملی جمهوری اسلامی ایران.
- کریم‌زاده تبریزی، محمدعلی (۱۳۶۳). *احوال و آثار نقاشان قدیم ایران*، جلد اول، لندن.
- صنیع الملک، میرزا ابوالحسن خان (۱۳۷۰). *روزنامه دولت علیّه ایران* (جلد نخست)، کتابخانهٔ ملی جمهوری اسلامی ایران، باهتمام جمشید کیان فر، چاپ اول، قم.
- صنیع الملک، میرزا ابوالحسن خان (۱۳۷۲). *روزنامه دولت علیّه ایران* (جلد دوم). کتابخانهٔ ملی جمهوری اسلامی ایران، باهتمام جمشید کیان فر و عنایت الله رحمانی، چاپ اول، قم.
- شهری، جعفر (۱۳۷۶). *طهران قدیم* (جلد اول). چاپ دوم، تهران: انتشارات معین.
- سالور، قهرمان میرزا (۱۳۸۰). *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه* (جلد اول). به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، تهران: انتشارات اساطیر.
- عبد امین، مجید (۱۳۹۹). *روزنامهٔ خاطرات ناصرالدین‌شاه* از ربیع الاول ۱۳۱۰ تا جمادی الاول ۱۳۱۲ ق، تهران: انتشارات بنیاد موقوفات دکتر افشار با همکاری نشر سخن.
- عبد امین، مجید (۱۳۹۹). *روزنامهٔ خاطرات ناصرالدین‌شاه* از جمادی الاول ۱۳۱۲ تا ذیقعهٔ ۱۳۱۳ ق، تهران: انتشارات بنیاد موقوفات دکتر افشار با همکاری نشر سخن.
- جمشیدی، اسماعیل (۱۳۷۳). *حسن مقدم و جعفرخان از فرنگ آمده*، چاپ اول، ویراستاری چاپ سوم، تهران: انتشارات زرین.
- خانمشاققی، حسینقلی (۱۳۵۳). *خاطرات ممتحن الدوله*، چاپ اول ۱۳۵۳، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- خداداد، همایون و امین دهقان، فائزه (۱۳۹۸). *گاه‌نگار قصر گلستان*، تهران: انتشارات پرنده.
- سهیلی خوانساری، احمد (۱۳۵۱). *نصب نخستین مجسمه در تهران*، مجلهٔ وحید، شمارهٔ ۱۰۸، صص. ۱۰۴۲-۱۰۴۷.
- مهاجر، شهروز و تاج‌الدینی، مرجان (۱۳۹۶). *پیشینه‌ی زیباسازی شهر تهران*، چاپ نخست، تهران: سازمان زیباسازی و نشر پیکره.
- مینورسکی، ولادیمیر (۱۳۶۸). *تذکره الملوک (سازمان اداری حکومت صفوی)*. ترجمهٔ مسعود رجب‌نیا، چاپ دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- عادلوند، پدیده (بهار ۱۳۹۵). *جنگ و مجسمه‌های شهری تهران* از واقعیت عینی تا امر ذهنی، منظر، شمارهٔ ۳۴.
- منصور بخت، قباد و محسن حسینی (۱۳۹۶). *نقش تجار در ورود صنایع جدید به ایران در دورهٔ قاجاریه*، *دوفصلنامه علمی-تخصصی کارنامه تاریخ*، سال سوم، شمارهٔ هشتم، صص. ۱۱۵-۱۳۸.
- معتقدی، کیانوش و نامور یکتا (۱۴۰۰). *از باغ گلستان تا کاخ گلستان*، چاپ اول، تهران: نشر دانیار.
- مشیری، محمد (۱۳۵۰). *نشان‌ها و مدال‌های ایران از آغاز سلطنت قاجاریه تا امروز*، بررسی‌های تاریخی، سال ششم، شمارهٔ ۶، صص. ۱۸۵-۲۲۰.
- نجمی، ناصر (۱۳۷۵). *دارالخلافه تهران در یکصد سال پیش*، چاپ دوم، تهران: انتشارات ارغوان.
- Floor Willem, *Traditional Crafts and Modern Industry in Qajar Iran* Author (s): Source: Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft, 1991, Vol. 141, No. 2 (1991), pp. 317-352 Published by: <http://www.worldofcoins.eu/forum/index.php?topic> سکه‌های ضرب قورخانه
- URL1: <http://www.worldofcoins.eu/forum/index.php?topic>